

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طرح و دفاع از دعوای تنفیذ قرارداد

مشمول بر:
نمونه آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه.
نمونه آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر.
آراء و نظرات قضات و حقوقدانان.
نشست‌های قضائی.

مهدی قاسمی

وکیل پایه یک دادگستری



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور: طرح و دفاع از دعاوی تنفیذ
قرارداد
مشخصات نشر: تهران: چراغ دانش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۴۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۵۴-۳۰-۹
وضعیت فهرست نویسی: فایپای مختصر
یادداشت: فهرستنویسی کامل این اثر در
نشانی: <http://opac.nli.ir>
یادداشت: کتابنامه.
شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۸۶۰۴

شناسنامه

عنوان کتاب: طرح و دفاع از دعاوی تنفیذ
قرارداد
مؤلف: مهدی قاسمی
ناشر: انتشارات چراغ دانش
ناظر چاپ: رسول زینالی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴
قطع و تیراژ: رقعی، ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۵۴-۳۰-۹

چراغ دانش را در گوگل جستجو کنید. www.cheraghdanesh.com

دفتر مرکزی: تهران، میدان بهشت نورد و روی مدرس، کوچه مازندرانی، پلاک ۴، طبقه ۳ و ۶ واحد ۱۷ و ۱۴

تلفن: ۸۸۱۳۰۶۰۱ فروش: ۰۲۱

حق چاپ برای انتشارات چراغ دانش محفوظ است. هر گونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز کتبی از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد

تقدیم ہے:

پدر و مادر مہربانم

ہمسفر عزیزم و دختر نازنینم

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۹
کلیات.....	۱۳
مبحث اول: مفاهیم واژه‌های کلیدی.....	۱۵
گفتار اول: مفهوم لغوی و عرفی.....	۱۵
بند اول: مفهوم لغوی دعوی.....	۱۵
بند دوم: مفهوم لغوی تنفیذ.....	۱۵
بند سوم: مفهوم لغوی قرارداد.....	۱۶
گفتار دوم: مفهوم حقوقی.....	۱۶
بند اول: مفهوم حقوقی دعوی.....	۱۶
بند دوم: مفهوم حقوقی تنفیذ.....	۱۷
بند سوم: مفهوم حقوقی قرارداد.....	۱۸
مبحث دوم: دعوی تنفیذ قرارداد.....	۲۰
گفتار اول: معرفی دعوی تنفیذ قرارداد.....	۲۰
گفتار دوم: هدف از طرح دعوی تنفیذ قرارداد.....	۲۲
بند اول: اخذ تأیید از دادگاه نسبت به صحت و اصالت قرارداد منعقد شده.....	۲۳
بند دوم: اعتبار بخشیدن به سند عادی جهت استفاده از آثار حقوقی آن.....	۲۴
بند سوم: ضرورت اخذ حکم تنفیذ قرارداد به جهت تصریح قانون گذار در موارد مشخص قانونی (موارد اجباری طرح دعوی تنفیذ قرارداد).....	۲۵
شیوه‌های عملی طرح دعوی تنفیذ قرارداد.....	۲۹
مبحث اول: ارکان طرح دعوی.....	۳۱
گفتار اول: وجود قرارداد بین طرفین دعوی.....	۳۱
گفتار دوم: تنظیم دادخواست.....	۳۶
بند اول- طرفین دعوی.....	۳۷
بند دوم: تعیین خواسته و بهای آن.....	۴۰
بند سوم: دلایل و منضمات دادخواست.....	۴۳
بند چهارم: شرح دادخواست.....	۴۴
بند پنجم: نمونه دادخواست.....	۴۶
مبحث دوم: رسیدگی قضائی به دعوی تنفیذ قرارداد.....	۵۱
گفتار اول: تقدیم دادخواست و تعیین وقت رسیدگی.....	۵۱
گفتار دوم: پذیرش یا عدم پذیرش دعوی تنفیذ قرارداد.....	۵۳

بند اول: استدلال‌های حقوقی در راستای لزوم پذیرش دعوی تنفیذ قرارداد.	۵۵
بند دوم: مستندات حقوقی و قانونی موافقان پذیرش دعوی	۵۸
بند سوم: مشروح نظرات موافقان پذیرش دعوی.....	۶۱
گفتار سوم : رویه قضائی در خصوص پذیرش دعوی تنفیذ قرارداد	۷۵
بند اول: نمونه آراء دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر	۷۶
بند دوم: نشست قضائی	۱۱۳
بند سوم: نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه.....	۱۱۶
شیوه‌های عملی دفاع از دعوی تنفیذ قرارداد	۱۱۹
مبحث اول: دفاعیات عام	۱۲۱
گفتار اول: اهم ایرادات و موانع رسیدگی در دعوی تنفیذ قرارداد.....	۱۲۲
گفتار دوم : دفاع عام در ماهیت دعوا	۱۲۸
بند اول: انکار قرارداد	۱۲۹
بند دوم: ادعای جعل، انکار یا تردید.....	۱۲۹
گفتار سوم : دعوی متقابل	۱۳۱
مبحث دوم: دفاعیات خاص	۱۳۲
گفتار اول: ایرادات اصلی وارد بر اساس دعوی تنفیذ قرارداد	۱۳۳
بند اول: بررسی ایرادات	۱۳۳
بند دوم: مخالفت دعوی تنفیذ قرارداد با برخی مقررات موضوعه	۱۴۳
بند سوم: مشروح نظرات مخالفان پذیرش دعوی تنفیذ قرارداد.....	۱۴۸
گفتار دوم : دفاع با استناد به رویه قضائی.....	۱۶۲
بند اول: نمونه آراء دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر	۱۶۴
بند دوم: نشست قضائی	۲۰۰
بند سوم: نظریات اداره کل حقوقی قوه قضائیه	۲۰۱
خاتمه	۲۰۳
ضمائم کتاب	۲۱۳

پیشگفتار

در مراجعات به محاکم قضائی و با اندکی تأمل و بررسی مشخص می‌شود که در موضوعات واحد، آراء و نظرات مختلف و متفاوتی وجود دارد که تشّت آنها نتیجه‌ای جز تضييع حقوق مراجعین به محاکم قضائی ندارد و چه بسا همین تشّت آراء موجبات سلب اعتماد از جامعه حقوقی را فراهم ساخته و سایر علل و عوامل بی‌اعتمادی را تحت‌الشعاع قرار داده باشد، از این‌رو لازم است راه کارهایی پیش‌بینی شود تا از آن طریق از گستردگی دامنه تشّت آراء و در نتیجه فراهم شدن زمینه‌های بی‌اعتمادی به جامعه حقوقی جلوگیری گردد.

نقد و بررسی رویه قضائی در موضوعات خاص می‌تواند یکی از این راه کارهای عملی باشد که تأثیر به‌سزایی در تبیین و توضیح موضوع داشته و باعث می‌شود فهم مخاطبین نسبت به مسائل حقوقی ملموس‌تر و عینی‌تر گردد. از طرف دیگر، جمع‌آوری اندیشه‌های حقوقی در خصوص یک موضوع خاص علاوه بر این که می‌تواند مبین گستردگی آراء و نظرات و استدلال‌های اندیشمندان در حوزه‌های مختلف حقوقی باشد؛ به همان نسبت می‌تواند زمینه‌های درک مشترک از آن موضوع را در راستای کاهش تشّت آراء و ایجاد وحدت رویه فراهم سازد چه این که، آشنایی جامعه حقوقی با مبانی استدلالی یکدیگر می‌تواند فرصتی برای به نقد کشاندن نظرات و در نهایت انتخاب نظری مستدل و متقن ایجاد نماید که قطعاً نتیجه این‌گونه تبادل آراء و نظرات تأثیر مستقیمی در گسترش عدالت اجتماعی و اعتماد افراد جامعه به دستگاه قضائی و جامعه حقوقی و در نهایت تعالی فرهنگ حقوقی جامعه خواهد داشت.

بررسی «دعوی تنفیذ قرارداد» به عنوان موضوع این نوشته نیز یکی از موارد عدیده اختلاف نظر بین محاکم قضائی است که تاکنون آراء متعارضی در خصوص آن صادر شده و هنوز صدور این گونه آراء ادامه دارد و استمرار همین تعارض آراء ما را بر آن داشت تا با بررسی مبانی فکری و استدلالی صاحب نظران و صاحب قلمان حقوقی و قضائی، به جمع آوری بخشی از رویه قضائی حاکم بر این موضوع به پردازیم تا شاید جمع آوری نظرات حقوقدانان و آراء صادره از محاکم و تجزیه و تحلیل آن ها در یک مجلد، در همسو شدن مبانی استدلالی حقوقدانان و قضات محاکم و رفع اختلاف نظرها جهت ایجاد زمینه های وحدت رویه قضائی مؤثر واقع گردد. چه این که از نظر نگارنده، اختلاف نظر بین حقوقدانان در خصوص یک موضوع واحد تا زمانی شایسته بوده و موجبات رشد و بالندگی عرصه حقوقی را فراهم می سازد که این اختلاف نظرها محدود به محیط های علمی و دانشگاهی گردد و اگر این اختلاف نظرهای علمی از طریق آراء صادره از محاکم قضائی به بطن زندگی مردم جامعه کشانده شده و در آن جا نتایج خود را به منصفه ظهور برساند به آفت حقوقی تبدیل شده و نتایج زیانباری به همراه خواهد داشت؛ چرا که در بسیاری موارد، عموم مردم قدرت تجزیه و تحلیل مباحث حقوقی و مبانی علمی و استدلالی آن ها را نداشته و اختلاف نظر در این گونه موضوعات و در نتیجه صدور آراء متعارض از دادگاه ها را ناشی از ضعف علمی و عدم سلامت اخلاقی و بی عدالتی دستگاه قضائی می دانند و لذا لازم است که این اختلاف نظرها در همان محیط های علمی و دانشگاهی بررسی و جمع بندی شده و در دستگاه قضائی به حداقل برسد و در

موارد حداقل نیز، دستگاه قضائی در عمل به وظیفه اساسی خود جهت ایجاد وحدت رویه قضائی تسریع و اهتمام ورزد.

در همین راستا، گردآوری آراء صادره از محاکم در خصوص موضوعات مشخص برای تبادل آراء و نظرات حقوقدانان و عنداللزوم نقد و تحلیل آن‌ها به شدت در عرصه حقوقی کنونی احساس می‌شود و این نوشته گام کوچکی در این مسیر بوده که امیدواریم تداوم آن در سایر موضوعات حقوقی در نیل به این هدف مؤثر بوده و صاحبان علم و فضل نیز در ادامه این مسیر با ابراز نظرات سازنده خود، جویندگان علم از جمله این حقیر را همراهی نمایند.

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از مساعدت و همکاری تمام عزیزانی که بنده را در تألیف و گردآوری این نوشته یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی نمایم از جمله از همسر عزیز و فداکارم که با صبر و بردباری همیشگی خود، فرصت‌های مناسب برای تألیف این کتاب را برای بنده فراهم نمودند و از همکاران فاضل و اندیشمند وکیل و قضاتِ عالِم و بصیری که با نظرات مشورتی خود بر غناء علمی این نوشته افزودند. هم‌چنین از همکار و برادر همیشه بزرگوارم جناب آقای مهدی زینالی که مشوق بنده در تألیف این کتاب بوده و به عنوان مدیر انتشارات چراغ دانش در کنار سایر همکاران خود زحمت چاپ و نشر آن را تقبل فرمودند.

مهدی قاسمی - بهمن ماه ۱۳۹۳

فصل اول



کلیات

مبحث اول: مفاهیم واژه‌های کلیدی

گفتار اول: مفهوم لغوی و عرفی

بند اول: مفهوم لغوی دعوی

«دعوی» در لغت به معنای ادعا کردن، خواستن، ادعا، نزاع و دادخواهی آمده است.^۱

در فرهنگ لغت عمید «دعوی» به معنای خواستن، خواندن کسی را، ادعا کردن، خواهانی، ادعا، نزاع، دادخواهی و جمع دعوی آمده است.^۲

بند دوم: مفهوم لغوی تنفیذ

«تنفیذ» در لغت به معنای نفوذ کردن و گذشتن در چیزی مثل گذشتن تیر از نشانه. اجرا کردن و روان کردن فرمان و نامه. امضاء کردن، گذراندن و فرستادن حکم و نامه آمده است.^۳

در فرهنگ فارسی معین نیز «تنفیذ» به معنای ۱. نفوذ دادن؛ ۲. روان و اجرا کردن فرمان بیان شده است.^۴

۱. معین، مرحوم دکتر محمد، فرهنگ فارسی، دوره ۶ جلدی، چاپ هشتم، انتشارات سپهر، تهران، سال ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۵۳۹.

۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، انتشارات راه رشد، تهران، سال ۱۳۸۹، ص ۵۲۷.

۳. عمید، حسن، همان، ص ۳۷۰.

۴. معین، مرحوم دکتر محمد، همان، ج ۲، ص ۱۱۵۳.

بند سوم: مفهوم لغوی قرارداد

دکتر معین «قرارداد» را به معنای پیمان، تعریف نموده است.^۱
 در فرهنگ لغت عمید «قرارداد» در دو معنای ذیل به کار رفته است:^۲
 ۱. تعهدی معمولاً کتبی که بر اساس آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی وظایف و حقوقی نسبت به هم در نظر می‌گیرند.
 ۲. عهدنامه؛ پیمان.

گفتار دوم: مفهوم حقوقی

بند اول: مفهوم حقوقی دعوی

در کتب حقوقی در تعریف دعوی گفته شده است که:
 «دعوی اخبار از حقی است خصوصی به ضرر دیگری و به نفع خود (یا موکل خود).»^۳
 «دعوا عبارت از عملی است که برای تثبیت حقی صورت می‌گیرد؛ یعنی حقی که مورد انکار یا تجاوز واقع شده باشد.»^۴ مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان نیز در تعریف دعوا، تعریفی مشابه ارائه نموده است و معتقدند

۱. معین، مرحوم دکتر محمد، همان، ج ۱، ص ۲۶۵۳

۲. عمید، حسن، همان، ص ۸۱۲

۳. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران، سال ۱۳۸۸، ص ۳۵۸، واژه ۱۷۶۷

۴. متین دفتری، مرحوم دکتر احمد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ چهارم، تهران، سال ۱۳۴۹، جلد اول، شماره ۶۲، ص ۳۳۳